

نگاه **زکيه عاقلی**؛ تاریخ‌پژوه

فرازهایی از کارنامه نهادی که تهیه مسکن

برای محرومان را در دستور کار داشت

۴ دهه مصاف با محرومیت

و بلایای طبیعی

«اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان، مردم محروم و ستمدیده ایران بهره‌مند شوند، دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم، تارپشه فقر و استضعاف را برکنیم… در رژیم مغفور پهلوی، مسئله مسکن یکی از کمیت‌بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند و چه بسا تمام عمرشان را، زیر بار بانک‌ها و سودجویان و غارتگران به سر می‌بردند، تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم، به کلی از داشتن خانه محروم بودند و در زواچسای بیغوله‌ها و اتاقک‌های تنگ و تاریک و خرابه‌ها، به‌سر می‌بردند و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را، بپایستی برای اجاره آن بپردازند. این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه ما، با چنین کمیتی دست به گریبان است. نظام اسلام چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل [حقوق] هر فرد است، که باید مسکن داشته باشد…»

کار بنیاد مسکن با پیام امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی (که بخش‌هایی از آن در ابتدا آمد)، با ساخت خانه برای اقشار محروم و به‌ویژه ساکنان حلبی‌آب‌های اطراف شهرهای بزرگ شروع شد اما خیلی زود وظایف جدیدی برای این بنیاد تعریف شد.

با حمله ارتش بعثی صدام به کشور و بعد از آن نیز آغاز بمباران مناطق مسکونی شهرها و روستاهای ایران، بنیاد مسکن وظیفه پیدا کرد تا به ساخت مسکن محرومانی که در بمباران خانه خود را از دست داده بودند هم بپردازد. البته در کنار ویرانی خانه‌های مردم به‌خاطر بمباران‌های ارتش بعثی صدام، هرزگانه‌پلاسیای طبیعی هم موجب خرابی خانه‌های مردم می‌شد. در واقع از آنجا که ایران سرزمینی است که در طول قرن‌ها همیشه با حادثه‌های طبیعی همچون زلزله و سیل مواجه بوده است، پس ساخت مسکن برای اقشار محرومی که به‌خاطر وقوع زلزله و سیل خانه‌هایشان را از دست می‌دادند نیز به وظایف بنیاد مسکن اضافه شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم مانند قرن‌های گذشته، ایران ما زلزله و سیل‌های مهیب و مخربی را در نقاط مختلف کشور دید که بخشی از آن به قرار ذیل آمده است:



نمایی از خانه‌سازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در مناطق محروم

کار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با ساخت خانه برای اقشار محروم و به‌ویژه ساکنان حلبی‌آبادهای اطراف شهرهای بزرگ شروع

شد اما خیلی زود وظایف جدیدی برای این بنیاد تعریف شد. با حمله ارتش بعثی صدام به کشور و بعد از آن نیز آغاز بمباران مناطق مسکونی شهرها و روستاهای ایران، بنیاد مسکن وظیفه پیدا کرد تا به ساخت مسکن محرومانی که در بمباران خانه خود را از دست داده بودند هم بپردازد

- سیل مهیب سال ۱۳۶۶.ش در تجریش (تهران)
- سیل مهیب ۱۳۶۷.ش در دماوند
- زلزله و حشمتناک ۲۴.شیرازی سال ۱۳۶۹.ش رودبار و منجیل که به کشته شدن ۳۵هزار نفر و خرابی وسیع خانه‌های مردم در کل آن منطقه منجر شد.
- زلزله ۲۳.شیرازی سال ۱۳۷۶.ش شهر بیرجند و روستاهای اطراف آن که ۱۵۰۰ کشته بر جای گذاشت
- سیل سهمگین سال ۱۳۷۷.ش در شهر ماسوله
- سیل ویرانگر سال ۱۳۸۰.ش استان گلستان که موجب کشته و مفقود شدن ۵۰۰هافر و خرابی بسیار در این استان شد.

- زلزله مهیب ۵،عشرتی سال ۱۳۸۲.ش در شهر بم که به کشته شدن ۴۱هزار نفر و خرابی کامل شهر بم منجر شد.
- زلزله ۶،۴عشرتی سال ۱۳۸۳.ش شهر زرنند کرمان
- سیل سال ۱۳۸۸.ش شهر قم
- زلزله ۶،۲عشرتی سال ۱۳۹۱.ش اهر و ورزقان آذربایجان شرقی با ۵۰ کشته و خرابی چندین روستا
- به علاوه وقوع سیل‌های مهیب و ویرانگر سال ۱۳۹۸.ش در چندین استان، از جمله مهم‌ترین بلایای طبیعی به وقوع پیوسته در ایران بعد از انقلاب بوده است؛ بلایایی که موجب شد تا مسئولین نظام جمهوری اسلامی را به فکر تدوین قوانین و اجرای آن برای بهسازی و مقاوم‌سازی خانه‌های مردم در کل کشور ببینازد؛ آن‌هم با نقش افرینی مستقیم بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به‌ویژه در مناطق روستایی؛ اقدام مؤثری که در طول چند دهه، باعث شد که در چند سال اخیر بعد از وقوع زلزله‌های با ریشتر بالا، هم با تعداد فونی‌های کمتری مواجه و هم با خرابی‌های کمتری نسبت به گذشته روبه‌رو شویم.

تاریخ



امام خمینی(ره) در یکی از ملاقات‌های عمومی، در برابر التماسک خویش، هم -۱۳۵۸

یک بیوک نمره نشده سرمایه اولیه نهادی انقلابی!

روایتی خواندنی از بسترهای تأسیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

رسیدگی به وضعیت اقشار محروم و فقیر جامعه

دادند کمی بعد هم فرمان تأسیس «جهادسازندگی» را، برای ساختن ویرانی‌ها و آباد کردن ایران صادر کردند. اما خرابی‌های به‌جا مانده از ۵۷سال سلطنت پهلوی‌ها (پدر و پسر)، انقدر زیاد بود که به تأسیس نهادهای انقلابی بیشتری، برای ساماندهی به وضعیت موجود نیاز بود. به‌ویژه نداشتن مسکن مناسب برای اقشار وسیعی از مردم در سر تاسر کشور، یکی از دغدغه‌های مهم رهبر انقلاب بود. تا اینکه

در فروردین سال ۱۳۵۸، بنا می‌شود تا یکی از روحانیون تبریزی‌تبار، به‌نام حجت‌الاسلام‌والمسلمین عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، برای ارائه گزارش فعالیت‌های انجام شده، خدمت امام(ره) برسد.یکی از دوستان به ایشان می‌گوید که یک آقای هست به‌نام حاج محمد حسن‌زاده از تجار و کارخانه‌های تبریز و می‌خواهد یک دستگاه اتومبیل بیوک ساخت ایران را

که هنوز نمره نشده، براساس ندی که کرده است، به پیشگاه امام تقدیم کند و بعد خودش می‌کند که اگر می‌توانید، از دفتر امام وقت ملاقاتی هم برای ایشان بگیرید. آقای بخشایشی از آنجا که نمی‌خواست بدون بررسی گامی بردارد، سراغ آن جوان می‌رود و ماجرا را از خودش جویا می‌شود. آقای حسن‌زاده که جوانی پاکدل و مومن بوده، برای ایشان روایت می‌کند:

«در آن روزهای بحرانی که امام در پاریس بودند، من این اتومبیل بیوک را، تازه از کمپانی خریداری کرده بودم. روزی که ماشینم را تحویل گرفتم، روزی بود که بختیار فرودگاه‌ها را بست و مانع از بازگشت امام شد. من از این کارشکنی‌های دولت، رنج می‌بردم. در دل با خدای خود عهد و پیمان بستم، که اگر امام خودش از خودش جویا می‌دهد که به همین دلیل، ماشین را نمره

هم توضح می‌دهد که به همین دلیل، ماشین را نمره

هم توضح می‌دهد که به همین دلیل، ماشین را نمره

پاکدل و مومن بوده، برای ایشان روایت می‌کند: «در آن روزهای بحرانی که امام در پاریس بودند، من این اتومبیل بیوک را، تازه از کمپانی خریداری کرده بودم. روزی که ماشینم را تحویل گرفتم، روزی بود که بختیار فرودگاه‌ها را بست و مانع از بازگشت امام شد. من از این کارشکنی‌های دولت، رنج می‌بردم. در دل با خدای خود عهد و پیمان بستم، که اگر امام خودش از خودش جویا می‌دهد که به همین دلیل، ماشین را نمره

پاکدل و مومن بوده، برای ایشان روایت می‌کند: «در آن روزهای بحرانی که امام در پاریس بودند، من این اتومبیل بیوک را، تازه از کمپانی خریداری کرده بودم. روزی که ماشینم را تحویل گرفتم، روزی بود که بختیار فرودگاه‌ها را بست و مانع از بازگشت امام شد. من از این کارشکنی‌های دولت، رنج می‌بردم. در دل با خدای خود عهد و پیمان بستم، که اگر امام خودش از خودش جویا می‌دهد که به همین دلیل، ماشین را نمره

نکرده و آن را از تبریز به قم آورده‌ام، تا نمره آن را در قم بگیرم. آدر ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب، امام در قم سکونت داشتند…»

به این ترتیب وقتی قرار می‌شود که ساعت ۹ شب، آقای بخشایشی خدمت امام برسد، آقا حسن‌زاده را هم همراه خود می‌برد. آقای بخشایشی نقل می‌کند: «جمعیت کثیری دور امام را گرفته بودند. نوبت که به ما رسید، دور امام خلوت شده بود. من کنار ایشان نشستم و جریان را تعریف کردم و سوچخ توضیح‌هایی خدمت‌شان تقدیم کردم. امام با تبسم و خوشرویی خاصی، آن را پذیرفته و نقدی از دوستان و هم‌راهان کردند، ولی دوباره سوچ را به صاحب آن برگرداندند و فرمودند: من از احساسات و عواطف شما ممنونم. به از تبریز متحمل این همه زحمت و ناراحتی شده‌اید، من اتومبیل را به‌خودتان می‌دهم و شما از طرف من وکیل هستید که از آن استفاده کنید… اما آن جوان با ایمان و شسور خاصی که از این دیدار نصیبش شده افتخار را به ایشان بدهند، که هدیه ناقابل او را بپذیرند و برای یکبار هم که شده، سوار آن بشوند، بعد ره‌طور خواستند عمل کنند. امام در اختیار امر او فرمودند: من در شرایط فعلی، نیازی به اتومبیل شخصی ندارم و تعهدی هم دارم که تا احساس نیاز نکنم، اتومبیل شخصی نداشته باشم، چون اکنون احساس نیازی ابرای داشتن ماشین شخصی نمی‌کنم، به شما وکالت می‌دهم که آن را از طرف من بفرشوید و با پول آن، خانه‌ای برای یکی از مستضعفین کشور تهیه کنید. این کار را بهتر است خودتان انجام دهید و اگر برایتان ممکن نشد و خواستید حتماً به‌وسیله خود ما صورت گیرد، می‌توانید اتومبیل را بفرشوید و پول آن را، به‌حساب خاصی که بفروزی اعلام می‌شود، بپردازید تا با لطف الهی و به‌زودی، برای عموم مستضعفین در سراسر کشور، خانه و مسکن تهیه کنیم. جوان این سخن امام را پذیرفت و اینگونه هزینه تهیه مسکن، برای یک خانواده مستضعف فراهم شد…»

همه محرومان باید خانه داشته باشند

۳روز بعد از آن ملاقات، حساب ۱۰۰ بانک ملی، جهت کمک به ساخت خانه برای محرومان، توسط امام(ره) افتتاح و اعلام می‌شود و در همان روز هم، پیام تأسیس «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی» توسط ایشان صادر می‌گردد. بخش‌هایی از این پیام، به‌قرار ذیل است: «مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا، باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کس در هیچ گوشه مملکت، نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند. اینجانب حسابی به شماره ۱۰۰، در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه کسانی که توانایی دارند، دعوت می‌کنم که برای کمک به خانه‌سازی برای محرومان، به این حساب پول واریز کنند و در هر محل از قیمن افراد صالح و مورد اعتماد، گروهی حداقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه‌سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه‌جویی و دقت کامل، خانه‌های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار بدهند و در این طرح، به هیچ‌وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود. من امیدوارم همه کسانی که زمین‌های وسیعی در اختیار دارند، به این امر مهم اسلامی- انسانی کمک کنند و زمین‌ها را در مناطق مرغوب قابل سکونت، در اختیار این طرح بگذارند و نیز هر کس که توانایی دارد، در تأمین انواع مصالح ساختمانی، به این خدمت اسلامی کمک و نیروی کار و کارگری، به‌طور وسیع و به‌کار افتد و دولت نیز تصمیمات لازم را، در تأمین آب و برق و اسفالت و وسایل ایاب و ذهاب و

مدرسه و در مانگاه و دیگر نیازمندی‌های عمومی، فراهم سازد…»

شهید آیت‌الله صدوقی

پیشتان کمک به‌حساب ۱۰۰ امام(ره)

بعد از افتتاح حساب ۱۰۰ و فرمان امام(ره) برای تأسیس بنیاد مسکن، آیت‌الله محمد صدوقی (سومین شهید محراب) با اختصاص قسمتی از هزینه دفتر خویش به این حساب و معرفی مر حوم حجت‌الاسلام والمسلمین مناقب به سمت نماینده ولی فقیه و رئیس شورا در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اسنان یزد، به‌عنوان نخستین شعبه در کشور، پیشتان لیبیک به‌خواستار فعالیت، اساسنامه قانونی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، در آذر سال ۱۳۶۶ش، توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و چند روز بعد هم، به تأیید شورای نگهبان رسید و به این صورت وظایف اصلی این نهاد انقلابی که شامل موارد زیر است، معین شد:

۱- مطالعه و بررسی در زمینه تشخیص و تعیین نیازمندی‌های مسکن محرومان، اعم از روستایی و شهری و فراهم آوردن موجبات اجرای آن با مشارکت و همکاری و خودیاری مردم و دستگاه‌های مختلف
۲- تهیه طرح مجتمع‌های زیستی و واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت و اجرای آنها به‌طور مستقیم یا با مشارکت مردم، با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذریبط در روستاها و شهرها
۳- تهیه زمین مورد نیاز طرح‌ها و پروژه‌های بنیاد و آماده‌سازی آنها

۴- کمک در جهت تأمین مصالح ساختمانی کشور، از طریق تولید و تهیه و توزیع
۵- نظارت بر پرداخت و مصرف واحدهای قرض‌الحسنه مسکن روستایی و ارزان‌قیمت شهری که از محل منابع مالی و سیستم بانکی کشور تأمین می‌شود.

۶- تهیه طرح‌های هادی و اصلاح معابر در روستاها، با هماهنگی دستگاه‌های ذریبط و اجرای آن با مشارکت مردم، از محل اعتبارات مصوب وگذاری دولت
۷- تهیه و ارائه طرح‌های لازم برای بازسازی مناطق مسکونی روستایی آسیب‌پذیده در اثر جنگ، سیل، زلزله و سایر سوانح طبیعی و اجرای آنها با مشارکت مردم و هماهنگی آنها با سازمان‌های ذی‌ربط.

نقش بنیاد مسکن در تغییر چهره روستاها

از آنجا که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، «خودکفایی» و تولید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران بود، توجه به آبادانی روستاها و رونق تولید در بخش کشاورزی و دامداری، اهمیت بسیاری پیدا کرد. به همین علت هم از ابتدای پیروزی انقلاب، بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی و عشایری، در دستور کار قرار گرفت. ساخت جاده و راه‌های روستایی و اسفالت آنها، برق‌رسانی به روستاها و لوله‌کشی آب آشامیدنی و گازرسانی، از جمله بنیادین‌ترین خدماتی بود که به بیش از ۲۰هزار پارچه آبادی، از طرف دولت و نهادهای حکومتی ارائه شد. اما در مرحله بعد، بهسازی نسکونتگاه‌های روستاییان، به‌ویژه در مناطق محروم و کم‌برخوردار، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. بر همین مبنا هم بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تخصصی بودجه و اعتبار دهی به مناطق روستایی، برای ساخت مسکن مناسب را، جزء اولویات خود قرار داد؛ اقدامی که طی چند دهه، موجب تغییر چهره بسیاری از روستاهای ایران شد. **پی‌نوشت‌ها**در سرویس تاریخ همشهری موجود است.

یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۱
شماره ۸۴۷۷

تاریخ تشیع

بنیابی



کتاب «بنیابی» روایتی مستند از زندگی اصحاب ابا عبدالله‌الحسین(ع) در عاشورا با قلم امین بابازاده توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. این کتاب روایت اصحاب ابا عبدالله(ع) غیر از بنی‌هاشم است و جز به

ضروث روایت از اصحاب بنی‌هاشم در کتاب نیامده است. وجه‌تمایز کتاب بنیابی در مقایسه با کتاب‌های دیگری که در باب عاشورا نوشته می‌شود در این است که در این کتاب بخش «بسان» وجود دارد که وجود آن جهت فضا‌سازی را روایی و تاریخی است؛ قسمت بیان اشاره به نکته‌هایی از رفتار و گفته‌های اصحاب و امام خطاب به اصحاب دارد که جنبه‌های معرفتی و تاریخی دارند. در فصل اول این کتاب با عنوان «تا روز نهم» بخشی از زندگی قبل از رسیدن به کربلا روایت می‌شود؛ از بخش از زندگی در تاریخ معتبر و مقاتل موجود است. از آوردن بخش‌های تاریخی که در منابع تکرار نشده باشند، اجتناب شده است. شخصیت‌پردازی اصحاب و سطح علمی و نوع زندگی آنها در این بخش مورد توجه بوده است. درباره تعداد یاران و اسامی آنها کتاب «بصار‌العین فی انصار‌الحسین» از استاد سماوی یاران در فصل اول از کتاب بصر‌العین استفاده شده است. روایت‌ها اما عیناً از کتاب بصر نیست و از منابع دیگر برای روایت استفاده شده است. در فصل «روز نهم» روایت روز تاسوعاست و آنچه بر امام و اصحاب در این روز رفته است. فصل بعدی «روز نهم» است که مقتل اصحاب ابا عبدالله(ع) و آنچه بر آنها رفته است.

تاریخ ادبیات

گزیده آثار ناصر خسرو

کتاب «گزیده آثار ناصر خسرو قبادیانی» به کوشش اسدالله بقایای نائینی تهیه و از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. در این کتاب بقایای ضمن آشنا کردن مخاطب با زندگینامه یکی از شاعران برجسته ایران‌زمین، مهم‌ترین آثار این شاعر و حکیم فرزانه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در معرفی این کتاب آمده است: امروزه گرد فراموشی، ملال و نسیان تاریخی، متون کهن ادبی را که گنجینه‌های گرانمای محسوب می‌شوند، از دست‌ترس و منظر تماشانا دور ساخته اما بر همه ما واجب است تا این در ارزشمند را از خرابه خودساخته گنجینه ادب پارسی بیرون آوریم و در دک‌های خوش منظر عرضه کنیم تا هم خود از آن بی‌نصیب نمانیم و هم جهانیان را از این همه عظمت به شگفتی واداریم. در این میان، آثار حکیم ناصرخسرو و قبادیانی جایگاه و اعتباری خاص دارد. از عرصه خاک به عالم افلاک کشانده می‌شود.

چندانی از گذشتگان، چنان به نظم و نثر شیرین پارسی قوام لفظی و معنوی بخشیده‌است که اکنون پس از هزار سال تفکر و تأمل در تراوش ذهنی‌اش، آدمی از بدون در عالم افلاک کشانده می‌شود. از این رو، اسدالله بقایای نائینی در این مجموعه به گزیده‌ای از آثار این حکیم فرزانه می‌پردازد تا شمه‌ای از دریای وسیع و عمیق خرد و استعداد او را به معرض نمایش در آورد.

تاریخ هنر

شاخ و شانه

کتاب «شاخ و شانه» پژوهشی در موسیقی ایرانی، اثر روح‌الله خالقی به کوشش شهلا یوسفی از سوی انتشارات خردگان منتشر شده است. در معرفی این کتاب آمده است: روح‌الله خالقی، سال‌ها شاگرد برجسته استاد علیق‌ق وزیری و از مفاخر

موسیقی ملی ایران بود. زیباترین سسال‌های زندگی‌اش را صرف دل‌انگیزترین هنر هنر کرد و به تشخیص اهل فن در موسیقی ایرانی و فرنگی شناخت او صلاحیت کامل یافت. در سال ۱۳۲۵ اتجمن موسیقی ملی به همت او تأسیس شد و ۳سال پس از آن با تأسیس هنرستان ملی موسیقی به یکی از آمان‌های هنری کشور جامه عمل پوشاند. از ایشان قطعات ارکستری، فغانی از هنرمندان، را که چند سال از هنرمندان و رسالات علمی مانند نظری به موسیقی به‌جای مانده است که هرکدام دارای ارزش فراوان است. خالقی همچنین خالق آهنگ‌های بسیار دلنشینی است که نشان‌دهنده دانش هنری این هنرمند بزرگ است. او علاوه بر ریاست هنرستان موسیقی ملی تا هنگام فوت رهبری ار کستر گل‌ها و عضویت شورای موسیقی رادیو ایران را هم به‌عهده داشت. مدت‌ها نیز سرپرستی ارکسترهای شماره‌یک و شماره ۲ رادیو به‌عهده او بود. برنامه «فادی از هنرمندان» را که چند سال از هنرمندان ارزنده گفت‌وگو می‌کرد می‌نوشت و مدت‌ها بر نامه «ساز و سخن» را که مطالب جالب و آموزنده‌ای درباره موسیقی داشت اجرا می‌کرد. کتاب «شاخ و شانه» پژوهشی در موسیقی ایرانی به کوشش شهلا یوسفی به مجموعه مقالات روح‌الله خالقی پیرامون موسیقی ایرانی اختصاص دارد.